

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

نگاهی تازه به تضمین و تطوّر تاریخی آن در آثار بلاغی عربی و فارسی (علمی - پژوهشی)

هما رحمانی*^۱

سید حسین سیدی^۲

چکیده

تضمین، یکی از شگردهای زبانی است که همانند بسیاری از فنون ادبی، در ادوار تاریخ بلاغت مورد بی توجهی محققان و ناقدان قرار گرفته است، به گونه‌ای که در شنا سایی این آرایه بدیعی تنها به یک جنبه از آن، یعنی آوردن مصراع، بیت یا ابیاتی از دیگری در شعر خویش اکتفا شده است. از این رو، این پژوهش بر آن است با نگاهی به سیر تاریخی صنعت تضمین و جایگاه آن در مباحث بلاغی عربی و فارسی، ضمن شرح و تفسیر دیدگاه‌های بلاغیون، به اقسام و نام‌های آن نیز اشاره نماید و در نهایت، با توسل به اصل توسعه معنایی، تعریف و عنوانی نو برای تضمین ارائه دهد تا آن را از تنگنا و محدودیت معنایی بلاغت سنتی تاحدودی خارج سازد. حاصل تحقیق، نشان از آن دارد که تعریف تضمین در تمامی کتب بلاغی، بیانگر بخشی از اقسام و انواع آن می‌باشد که با عناوینی چون استقبال، تتبع، تملیط، استعانت، ایداع، تفصیل و... در حوزه‌های گسترده‌ای چون علم بدیع علم بیان، عروض و قافیه و سرقات شعری کاربرد دارد؛ بنابراین، با در نظر داشتن این آمیختگی و عدم تناسب میان مفهوم تضمین و انواع آن، می‌توان تضمین را هر گونه مشارکت و تبادل عناصر لفظی و معنایی، اعم از بیت، مصراع، آیه، حدیث، مثل و مضمون میان سخنوران و گویندگان به شمار آورد که متناسب با مقتضای حال و مقام و به قصد زینت و تأکید معنا صورت می‌گیرد و سبب برجسته‌سازی، مرجعیت بخشی، مفهوم‌زایی، ایجاد ابهام هنری و ایجاز کلام می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: بلاغت، بدیع لفظی و معنوی، تضمین، توسعه معنایی، مشارکت.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد: h.rahmani64@yahoo.com

^۲ - استاد بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد: seyedi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

۱- مقدمه

جهان پیرامون ما، مملو از مفاهیمی است که شنا سایی و درک آنها نیازمند ارائه تعریفی دقیق و جامع است. تعریف، اصطلاحی منطقی- فلسفی است که با علم و معرفت، پیوندی تنگاتنگ دارد؛ از این رو، هر پدیده علمی باید با تعریفی همراه باشد که علاوه بر شفافیت، تمامی جوانب آن مفهوم را نیز در بر بگیرد؛ به بیانی دیگر، «جامع و مانع» باشد. طبق نظریه جان هاسپرس (John Hospers) تعاریف بر دو گونه اند: قراردادی و گزارشی. تعاریف گزارشی، معمول ترین نوع تعریف اند که از وجوه معنایی واژه ها، در میان یک گروه زبانی مشخص حکایت دارند اما تعاریف قراردادی، در دو حالت رخ می دهند: نخست، برای واژه هایی که معانی آنها دقیق نیست و به تجدیدنظر نیازمندند؛ دوم، زمانی که برای انتقال معنای مورد نظر، نتوان واژه مناسبی یافت و به ناچار باید تعریفی خاص پیشنهاد نمود. (هاسپرس، ۱۳۷۹: ۵۵) اگر نگاه خود را به یکی از علوم و تعاریف آن محدود نماییم، درستی دیدگاه هاسپرس پیرامون تعاریف قراردادی آشکار خواهد شد زیرا از یک سو، بسیاری از این تعاریف، فاقد صفت جامعیت بوده و دامنه وسیعی را دربر می گیرند و از سوی دیگر، پای بندی متخصصان هر حوزه به تعاریف گذشته، مانع از بررسی انتقادی و تجدیدنظر در مفاهیم و سپس، توسعه معنایی آنها می گردد و این امر به تدریج، تولید علم و شکوفایی اندیشه را مختل می کند.

۱-۱- بیان مسئله

بلاغت، یکی از علوم پیشتاز و حیاتی در زمینه ادبیات و خلق آثار ادبی است که همانند بسیاری از حوزه های دانش بشری در رکود و ایستایی به سر می برد، به گونه ای که پس از گذشت قرن ها، همچنان دیدگاه ها و تعاریف بلاغیون متقدم، بر کتاب های بلاغی معاصر سایه افکنده است؛ از این رو، با توجه به رشد روزافزون علم و ارائه دیدگاه های جدیدی از سوی برخی محققان، ضرورت بازبینی در مباحث بلاغی کاملاً احساس می شود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

این پژوهش با آگاهی از ضرورت بازبینی و بازنگری معنایی در مباحث بلاغی کهن، بر آن است تا از میان فنون مطرح در بلاغت، با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و توجه به فرآیند

توسعه معنایی (Semantic widening)، به بررسی آرایه «تضمین» پردازد و ضمن بیان تطوّر تاریخی آن در بلاغت فارسی و عربی، به نام‌ها، انواع و کارکردهای زیبایی‌شناسانه آن نیز اشاره کند و از خلال این توضیحات، نام و تعریفی جدید که تا حدّ امکان، تمامی جنبه‌های این شگرد ادبی را دربرگیرد، ارائه نماید.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق می‌توان تمامی کتب بلاغی، بدیعی، فرهنگنامه‌های ادبی- شعری که مباحثی پیرامون تضمین در آنها دیده می‌شود و مقالاتی چون «نگاهی به مسئله تضمین کلمات در زبان عربی»، از احمد پاشا زانوس و «تضمین و گونه‌های آن در چکامه‌های صفی‌الدین حلی»، اثر نرگس گنجی و فاطمه اشراقی را نام برد. در هیچ‌یک از آثار و تحقیقات انجام شده، نشانی از بازنگری معنایی نسبت به این آرایه ادبی دیده نمی‌شود زیرا کتب بلاغی و ادبی مزبور، همگی به تقلید از یکدیگر به نگارش درآمده‌اند و ریزه‌خوار خوان قدما هستند و از میان مقالات، در مقاله نخست، تنها تضمین نحوی در زبان عربی و در مقاله دوم، تضمین‌های مبهم و مصرّح، بدون هیچ‌گونه نوآوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، علی‌رغم موج مثبت تحقیقات ادبی، پایان‌نامه و مقاله‌نویسی، در حوزه فنون بدیعی در چند سال اخیر، تاکنون پیرامون آرایه تضمین با تکیه بر مطالعات معنی‌شناسی تاریخی (Historical semantics)، هیچ تحقیق مستقلی صورت نگرفته‌است.

۲- بحث و بررسی

تضمین، مصدر باب تفعیل از ریشه ضَمَنَ، به معنای گنجاندن، نهادن چیزی در جای، چیزی را دربر گرفتن و در خود پوشانیدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ: ذیل ضمن) و در اصطلاح، به آوردن مصراع، بیت یا ابیاتی از سروده‌های دیگران با همان وزن و قافیه، به شیوه تمثّل و استشهاد و متناسب با موقعیت کلام در میان اشعار خویش گفته می‌شود.

تقریباً در تمامی کتب بلاغی فارسی و عربی، تفاوتی میان معنای اصطلاحی و لغوی تضمین دیده نمی‌شود اما مسئله مهمی که ما را به انجام این تحقیق برانگیخت، معنای اصطلاحی تضمین است که تنها بر یک جنبه از این شگرد ادبی تمرکز دارد و انواع دیگری را که در

برخی کتب بلاغی عربی و سپس، فارسی به آنها اشاره شده است، دربرنمی گیرد. در ادامه، به این موارد خواهیم پرداخت.

۲-۱- پیدایش تضمین و سیر تاریخی آن

در این بخش، سیر تاریخی و روند شکل‌گیری صنعت تضمین را در دو بخش مجزا، یعنی ادبیات عرب و ادبیات فارسی، پی می‌گیریم.

۲-۱-۱- تضمین در ادب عرب

مقارن با ظهور اسلام و در اولین دوره از بلاغت عرب، یعنی سده‌های اول تا سوم هجری، نشانی از تضمین دیده نمی‌شود. در قرن سوم هجری نیز علی‌رغم پیدایش موج نئی از تألیف آثار بلاغی، همچون *مجاز القرآن* (۲۱۰هـ)، *معانی القرآن* (۲۰۷هـ)، *الکامل* (۲۸۵هـ) و *تأویل مشکل القرآن* (۲۷۶هـ) که در حقیقت نوعی تفسیر بلاغی جهت اثبات اعجاز کلام الهی به‌شمار می‌آیند، نباید به دنبال نشانه‌هایی از حضور صنعت تضمین بود زیرا کتاب‌های مذکور، پیرامون قرآن و جنبه‌های بلاغی آن به نگارش درآمده بودند و نه شعر و صنایع شعری، هرچند در این آثار نیز به مقتضای کلام، به برخی شگردهای ادبی و زیبایی‌های بلاغی آیات، اشاراتی شده است.

نام «تضمین»، نخستین بار در *البدیع ابن معتز* (۲۷۴هـ)، پایه‌گذار علم بدیع، آمده است اما برخلاف سایر صنایع مطرح‌شده در این کتاب، توضیحی پیرامون آن دیده نمی‌شود و نویسنده، تنها به ذکر دو نمونه شعری اکتفا کرده است. از دو نمونه مزبور و قرار گرفتن آرایه تضمین در بخش محسنات کتاب، برمی‌آید که این صنعت ادبی، از دیدگاه ابن معتز، بخشی از محاسن کلام به‌شمار می‌آمده و از این رو، عنوان «حسن التضمین» بر آن نهاده شده است. (ابن معتز، ۱۹۵۲م: ۵۸) پس از ابن معتز، قدامه بن جعفر (۳۳۷هـ)، با نگارش «نقد الشعر»، تأثیر بسزایی در آثار بلاغی پس از خود گذاشت اما در اثر خود از تضمین سخنی به میان نیاورد. پس از قدامه، رمانی (۳۸۴هـ)، در رساله «النکت فی اعجاز القرآن»، تضمین را نوعی مجاز «حصول معنی فیه من غیر ذکر له باسم أو صفة هی عبارة عنه» (رمانی، ۱۹۶۸م: ۹۴) برشمرد و ابو هلال عسگری (۳۹۵هـ)، یکی از پیروان قدامه، در «الصناعتین»، تضمین را وابستگی معنایی ابیات به یکدیگر و عملی قبیح دانست. (عسگری، بی تا: ۴۲)

در آغاز دوره دوم از تاریخ بلاغت عرب، یعنی قرن پنجم و ششم هجری که می‌توان آن را عصر شکوفایی علوم بلاغی نامید، نشانی از تضمین در آثاری؛ همچون «اسرار البلاغه» و «دلائل الاعجاز» جرجانی و «فقه اللغه» و «اسرار العربیه» ثعالبی به چشم نمی‌خورد. زمخشری، یکی از بزرگ‌ترین مفسران بلاغی قرآن، ردپایی از تضمین را در میان برخی آیات نشان داد. (ن.ک: زمخشری، ۱۹۸۲م، ۱: ۲۳۰، ۴۶۵ و ۴: ۳۵) ابن‌رشیق قیروانی، یکی از صاحب‌نظران بنام این دوره، در کتاب خویش، «العمده»، تضمین را مفصل مورد بحث قرارداد، انواع متنوعی را برای آن مطرح نمود (در بخش انواع تضمین به آنها اشاره خواهد شد) و به این طریق، دامنه معنایی تضمین را گسترش چشمگیری بخشید. (قیروانی، ۱۹۸۱م، ۲: ۸۴-۹۱) آرا و دیدگاه‌های او، تأثیر بسزایی بر کتب بلاغی ادوار بعد برجای گذاشت.

در دوره سوم، یعنی قرن هفتم هجری به بعد که عصر تقلید، تکرار و حاشیه‌نویسی است، آثاری پدید آمد که تا حدودی از شیوه رایج در عصر خود فراتر رفتند. اسامه بن منقذ (۵۸۴هـ) که در تألیف آثار خود، یعنی «البدیع فی البدیع» و «البدیع فی نقد الشعر»، از «البدیع» ابن معتر، «الصناعین» و «العمده» بهره برد، تضمین را به معنای «هو ان یتضمّن البیت کلمات من بیت آخر» آورده است. (ابن منقذ، ۱۴۰۷هـ: ۳۵۰) پس از او، در «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، تضمین در قسم اول از بخش نخست کتاب، ذیل مبحث دلالت لفظی در کنار سجع، ترصیع و... بیان شده است اما از توضیحات آن برمی‌آید که مراد نویسنده، «تضمین المزدوج» است نه تضمین. از سوی دیگر، در بخش دوم کتاب، ذیل مبحث «حقیقت شعر و اقسام آن»، به آرایه‌هایی همچون اقتباس و تلمیح پرداخته شده که تعاریف آنها، به تضمین مورد نظر ما نزدیکی بسیار دارد، گویی فخر رازی، هر سه شیوه را مترادف یکدیگر دانسته است. (رازی، ۱۹۹۲م: ۱۱۲)

ابن‌ابی‌اصبع در «بدیع القرآن» نیز گنج‌نیدن اجزای یک بیت را در کلام سخنور، تضمین می‌خواند و بر این باور است که در قرآن، تنها دو مورد را می‌توان ذیل تضمین قرارداد: «و در کتاب عزیز به چیزی از شواهد این باب، جز دو مورد، دست نیافتیم که آن دو مورد،

متضمن دو فصل از تورات و انجیل است. (مائده: ۴۵ و الفتح: ۲۹). (مصری، ۱۳۶۸: ۱۵۱) صاحب کتاب «نضره الاغریض فی نضره القریض»، تضمین را همان ابیات موقوف المعانی و یکی از عیوب برمی شمارد. (العلوی، ۱۹۷۶م: ۲۵۴) ابن اثیر، از جمله ناقدانی است که در جلد دوم «مثل السائر»، تضمین را از محسنات کلام دانسته و با ذکر ادله، سعی در ابطال دیدگاه‌های بلاغیون متقدم پیرامون «تضمین اسنادی» و «تضمین‌های کلی» داشته است. (۱۳۵۸هـ: ۳۴۱/۲-۳۴۴) پس از ابن اثیر، نوبت به شرف‌الدین حسین طیبی، نویسنده «التیان فی البیان» می‌رسد. او تضمین را برگرفتن بیت، مصراع یا کلماتی از شعر دیگری می‌داند. (طیبی، ۱۴۰۷هـ: ۴۱۶) یحیی بن حمزه علوی، علی‌رغم مباحث مبسوط درباره سایر فنون و حتی سرقات شعری، در «الطراز»، نامی از تضمین به میان نیاورده است. سعدالدین تفتازانی در «مختصر المعانی»، دقیقاً تعریف شرف‌الدین طیبی را از تضمین ارائه می‌دهد، با این تفاوت که برای هر نوع، نامی برگزیده است. (بی تا: ۲۲۲)

بدرالدین زرکشی (۷۹۵هـ-)، یکی دیگر از بلاغیون این دوره، در «البرهان فی علوم القرآن»، تضمین را «اعطاء الشیء معنی الشیء» می‌داند و بر این باور است که در سه حوزه اسم، فعل و حرف، رخ می‌دهد. او تضمین اسمی را کاربرد کلمات در غیر معنای حقیقی و نوعی مجاز معرفی می‌کند: «ضمن «حقیق» (اعراف/ ۱۰۵) معنی حریص لفیده انه محقوق بقول الحق و حریص علیه.» و تضمین فعل را کاربرد فعل در معنای فعلی دیگر می‌داند (زرکشی، ۱۹۵۷م: ۳: ۳۳۸)، اما صاحب «معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها»، تضمین اسمی و فعلی زرکشی را «تضمین لغوی» و متمایز از تضمین بلاغی می‌داند: «التضمین البلاغی فهو استعاره کلام الاخیر و ادخاله فی الکلام الجدید.» (مطلوب، ۱۹۸۳م: ۲: ۲۶۳) سیوطی، در «الاتقان»، به مباحث گذشته پیرامون تضمین مطلبی را نمی‌افزاید. او همچون رمّانی و زرکشی، نوعی از تضمین را (مجاز) به حوزه علم بیان و نوع مشهور آن را (درج کردن سخن دیگری در میان کلام) به تأسی از بلاغیون متقدم، به حوزه بدیع منتسب می‌کند. (۱۳۶۳: ۲۸۶)

سکاکی، ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده شیوه عبدالقاهر جرجانی است و توانست کار ناتمام او را مبنی بر تفکیک علوم بلاغی به سرانجام برساند. تعریفی که او در «مفتاح العلوم» برای تضمین ارائه می‌دهد، مرتبط با علم عروض است: «هو ان یُنی بیت علی کلام یکون معناه فی بیت یتلوه من بعده مقتضیا له.» (۱۹۸۳م: ۵۷۶) خطیب قزوینی، پیرو و مفسر آثار سکاکی، در «الایضاح و تلخیص المفتاح»، تضمین را «وام گیری چیزی از شعر دیگری» می‌داند و با کاربرد لفظ «شعر» برای تضمین و «قرآن و حدیث» برای اقتباس، میان آن دو تمایز قائل می‌شود. (۲۰۰۰م: ۳۴۴) در کتب بلاغی ادوار اخیر نیز؛ همچون «انوارالربیع» و «جواهرالبلاغه»، نکته جدیدی پیرامون تضمین دیده‌نمی‌شود و به تمامی، تکرار مباحث پیشین است؛ بنابراین، همان‌گونه که از بررسی اجمالی این بخش برمی‌آید، می‌توان رمانی و ابوهلال عسگری را از پایه‌گذاران اصلی مفهوم تضمین در بلاغت عرب و ابن‌رشیق را پیشتاز در زمینه خلق انواع برای این شگرد ادبی به‌شمار آورد و سایر کتب بلاغی نامبرده را تکرار، تلخیص و تشریح دیدگاه‌های آنان قلمداد کرد.

۲-۱-۲- تضمین در ادب فارسی

امروزه در میزان تأثیرگذاری و نقش کتب بلاغی عرب در پیدایش و تکوین آثار بلاغی فارسی تردیدی نیست. محمدبن عمر رادویانی که صاحب نخستین کتاب بلاغی برجای مانده در سده پنجم هجری است، «ترجمان‌البلاغه» را برگردان «اجناس بلاغت تازی به فارسی» می‌داند (۱۳۶۲: ۱۶) اما آنچه این اثر را از سایر آثار بلاغی و بدیعی متمایز می‌سازد، شواهد و امثال آن است. رادویانی، علی‌رغم انتقاد کسانی همچون رشیدالدین وطواط، مبنی بر «ناخوش بودن شواهد این کتاب» (وطواط، ۱۳۶۲: ۲)، ترجمان‌البلاغه را به ابیات و اشعار فارسی مزین کرده است. او برای نخستین بار در فصل ۵۳ اثر خویش، به صنعت تضمین اشاره کرده است. تأثیرپذیری رادویانی از آثار بلاغی عرب، در ارائه تعاریفش کاملاً آشکار است. پیشتر ذیل بخش «تضمین و علم عروض و قافیه» نوعی از این شگرد ادبی را در ترجمان‌البلاغه (وابستگی معنایی ابیات) همراه با نمونه شعری بیان نمودیم. نوع دیگری از تضمین که رادویانی به آن پرداخته، «آن است کی شاعر را بیتی شعر از شعر دیگران خوش

آید و آن را به میان قصیده خویش اندر آرد، بر سیل مهمان نه دزدیده.» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۰۳)

«حدائق السحر» و طواط، تنها به دومین مفهوم مورد نظر رادویانی پیرامون تضمین توجه دارد، با این تفاوت که صاحب ترجمان البلاغه، تضمین را به صورت کلی (شعر) می پذیرد و طواط آن را شامل مصرع، بیت یا دو بیت نیز می داند: «این صنعت جنان با شد کی شاعر مصرعی یا بیتی یا دو بیت از آن دیگری، در میان شعر خود به کاربرد، به جایی لایق نیک...» (۱۳۶۲: ۷۲) یکی دیگر از کتاب های مهم در محدوده سده پنجم تا هفتم هجری، «المعجم فی معاییر اشعار العجم» است. شمس قیس در برشمردن انواع تضمین، به ترجمان البلاغه نظر دارد اما بر این باور است که آوردن مثل سایر در شعر، از مقوله تضمین نیست و ارسال المثل خوانده می شود. (۱۳۳۸: ۲۹۰-۲۹۶) آثار نام برده که در حقیقت تلاشی جهت برگردان دانش بلاغت عربی به فارسی است، تأثیر بسزایی در شکل گیری دستگاهی نظری، جهت سنجش بلاغت شعر فارسی و شکوفایی علوم بلاغی ایفا کرد؛ از این رو، قرون پنجم تا هفتم هجری را در ادوار تاریخ بلاغت فارسی می توان «دوره بومی سازی» نامید.

پس از دوره بومی سازی، یعنی از قرن هشتم هجری تا روزگار معاصر، کتاب های بلاغی زیادی به نگارش درآمد که هدف آنها، شرح و بازنویسی کتب ادوار پیشین و تنظیم مجدد آنها بود. در این دوره، «حقایق الحدائق» اگرچه در تعریف تضمین به حدائق السحر نظر دارد، نکته تازه ای را به مطالب پیشین کتب بلاغی افزوده است: «قول متصرف: شاید از اشعار خود بیتی چند تضمین کند.» (رامی، ۱۳۴۱: ۱۰۴) حسین واعظ کاشفی، در «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در تعریف تضمین، اگرچه پیرو طواط است و در بحث تضمین اشعار خود، به رامی نظر دارد، با تقسیم بندی تضمین به دو نوع مصرح و مبهم و افزودن مطالبی پیرامون تضمین قالب های شعری و گذاردن نام برای انواع تضمین، به تقلید از کتب بلاغی عرب، راه خود را از بلاغیون ادوار پیش جدا نموده است. (۱۳۶۹: ۱۵۱-۱۵۳) «مدارج البلاغه» نیز اگرچه پیرو بدایع الافکار است، نوع دیگری از تضمین را به نام خود ثبت کرده است:

«شاید کسی، بیتی به وزن دیگر گفته باشد و دیگری، مضمون شعر او را در شعر خود تضمین کند.» (هدایت، ۱۳۳۵: ۸۳)

پس از سه اثر فوق، در دوره شرح و تقلید، نوبت به بررسی کتاب‌های بلاغی درسی می‌رسد که یا به پیروی از طرح کتاب‌های بلاغی پیش از مفتاح‌العلوم به نگارش درآمده‌اند؛ مانند: «ابدع‌البدایع» که یکی از جامع‌ترین کتاب‌های بدیعی فارسی است و در بحث تضمین، پیرو بلاغیون متقدم، همچون وطواط و شرف‌الدین رامی است، با این تفاوت که او نام نوعی از تضمین، ایداع، را به‌عنوان نام دیگر این آرایه به کار برده و از سوی دیگر، عاریت گرفتن ابیات غیر مشهور را از دایره تضمین خارج دانسته و عنوان «اخذ» را برای آن پسندیده است. (گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳) علاوه بر این، او در اثر دیگر خود، «قطوف الربیع فی صنوف البدیع»، تضمین را به همین نام و در معنای رایج خود به کار برده است. (همان، ۱۳۸۹: ۷۶) کتاب «زیب سخن»، به قلم محمود نشاط که الحق جامع‌ترین اثر پیرامون مبحث تضمین است، علاوه بر اشاره به نام‌ها، انواع و اقسام تضمین، شرایط و نکاتی ضروری را جهت کاربرد تضمینی مستحسن و نیکو گوشزد می‌کند و در اثنای سخن، به مقتضای حال، با ذکر شواهد شعری بسیار، خواننده را در فهم مطلب یاری می‌رساند. (نشاط، ۱۳۴۶: ۲۵۷/۲-۲۷۸) «درّه نجفی»، تضمین را همان اقتباس نامیده و آن را تنها به ذکر بیت یا ابیاتی از دیگران محدود کرده است (نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۱۸۴) و علامه همایی، در «صناعات ادبی»، تضمین را در معانی مورد نظر رادویانی به کار برده و چیزی به مباحث پیشین نیفزوده است. (همایی، ۱۳۳۹: ۲۳۶)

یا آثاری که ترجمه گونه‌ای از کتاب‌های مدرسی عرب است؛ همچون «دررالادب» که تضمین را در معنای مصطلح و مشهور آن و ذیل سرقات شعری آورده است. (ناشر، ۱۳۳۶: ۲۲۶) «هنجار گفتار» (تقوی، ۱۳۶۳: ۳۲۵) و دو کتاب «علم بدیع در زبان فارسی» و «زیبایی‌های سخن»، از محمدرضا دایی‌جوادی، در تعریف تضمین به کتب بلاغی عرب و آثار متأثر از آنها، مانند حدائق‌السحر نظر دارند. (ن.ک: دایی‌جوادی، بی‌تا: ۱۶۹ و همان، ۱۳۳۵: ۱۶۹) تضمین، در کتاب «معانی بیان»، مرادف با تعریف وطواط از این آرایه

است. علاوه بر این، نویسنده به پیروی از زیب سخن و کتاب‌های بلاغی عربی، از «احسن التضمین» نیز سخن به میان آورده است: «بهترین نوع تضمین، آن است که شعری که تضمین شده، مشتمل بر نکته و لطیفه‌ای باشد که در شعر شاعر اول نباشد؛ مانند توریه و تشبیه». (آهنی، ۱۳۶۰: ۲۷۲) در «روش گفتار» (علم البلاغه)، تضمین به تقلید از بلاغت عربی و ابداع البدایع، همان ابداع دانسته شده و در معنای مشهور خود به کاررفته است. (زاهدی، ۱۳۴۶: ۳۰۷)

یا کتاب‌هایی که بر اساس در سنامه‌های دانشگاهی معاصر به نگارش درآمده‌اند؛ مانند کتاب «برابرهای علوم بلاغی در فارسی و عربی» که در آن، تضمین، به عنوان نوعی از سرقات شعری، معرفی شده و تعریف و نامگذاری انواع آن دقیقاً برگرفته از کتاب‌های بلاغت عربی است. (طیبیان، ۱۳۸۸: ۵۰۱) «بدیع نو» نیز تضمین را گنج‌نیدن مصراع یا بیتی از دیگری در شعر معرفی می‌کند اما تازگی کار او، در این است که از انواع تضمین، ذیل دو عنوان قدمایی و وسطایی سخن به میان می‌آورد. (مجتبی، ۱۳۸۰: ۸۸) در «زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بدیع)»، نویسنده تنها به نوع رایج تضمین اشاره داشته و به پیروی از المعجم شمس قیس، بر این باور است که «اگر سروده باز آورده، آن چنان شناخته و پرآوازه باشد که نیازی به یادکرد نام سراینده نماند، آن سروده از گونه دست‌ان خواهد بود و تضمین شمرده نمی‌شود». (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۴) نگارنده «زیورهای سخن» و «گونه‌های شعر پارسی»، بر خلاف بسیاری از عالمان بلاغت، تضمین را علاوه بر آوردن مصراع یا بیت، شامل ذکر امثال یا گفتاری مشهور در اشعار خود نیز می‌داند. (نوروزی، ۱۳۷۲: ۳۲۵) اسفندیارپور در «عروسان سخن»، مختصری از تاریخچه و انواع تضمین را یادآور می‌شود اما خود این شگرد ادبی را به معنای وام‌گیری مصراع یا بیت از دیگران می‌داند. (۱۳۸۸: ۲۹۰-۲۹۳) و سرانجام، در کتاب «هنر سخن‌آرایی»، نویسنده برای نخستین بار، آیه، حدیث، مثل و پاره‌های شعری را از مواد اصلی شکل‌گیری تضمین برمی‌شمارد و تضمین، اقتباس و ار سال‌المثل را نه تنها از جهت نام بلکه از نظر مفهوم نیز یکسان می‌پندارد. (راستگو، ۱۳۸۲:

به این ترتیب، جدا از تأثیرپذیری گسترده آثار بدیعی فارسی از کتب بلاغی عرب، در بسیاری از موارد، پیرامون تضمین و انواع آن، نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد که از یک سو، دامنه معنایی آن را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر، زمینه را برای طرح این مبحث در علوم مختلف ادبی فراهم می‌سازد. از همین رو است که ضرورت بازنگری و توسیع معنایی تضمین کاملاً احساس می‌شود.

۲-۲- اقسام و نام‌های تضمین

تضمین، به‌عنوان صنعتی شناخته‌شده از روزگار ابن‌معتز تاکنون، مورد توجه ناقدان و عالمان بلاغت بوده است. تکامل دانش‌های بلاغی و ذوق و سلیقه بلاغیون و اهل بدیع، سبب بروز نوآوری‌ها و بالتبع، اختلافاتی پیرامون این آرایه ادبی شده است. همان‌گونه که در سیر تاریخی تضمین اشاره نمودیم، پس از ابن‌معتز، رمانی و ابو‌هلال عسگری از نخستین کسانی بودند که با ارائه تعریفی از این صنعت، آن را به حوزه‌های خاصی از علوم ادبی منسوب ساختند. رمانی براساس دیدگاه خود، تضمین را نوعی مجاز به‌شمار آورد و ابو‌هلال عسگری، نوعی وابستگی معنایی. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که بلاغیون، جز در مواردی اندک (الاتقان و العمده) با آراء و دیدگاه‌های مطرح در الصناعتین و پسین‌تر، العمده، انس بیشتری داشته‌اند اما پیرامون نام‌ها و اسامی متعدد تضمین در کتاب‌های بلاغی، باید گفت که این نامگذاری‌ها به معنای واقعی از کتاب مختصرالمعانی تفتازانی، آغاز گردیده و از میان کتب بلاغی عرب، تنها مورد توجه الایضاح و انوارالربیع قرار گرفته است زیرا در سایر آثار، نشانی از نامگذاری به چشم نمی‌خورد.

در ست برخلاف بلاغت عرب، بدیع‌نویسان فارسی‌زبان، به این اسامی علاقه‌مند بوده و به همه یا برخی از آنها در آثار خود اشاره کرده‌اند؛ مانند: المعجم، حقایق‌المحدثات، بدایع‌الافکار، زیب سخن، روش گفتار (علم‌البلاغه) و عروسان سخن. جدا از این آثار، در سایر کتب بلاغی، شرح و توضیح اسامی، بدون اشاره آشکار به نام اصطلاحی آنها آورده شده است اما باید به این نکته توجه داشت که در تمامی آثار مزبور، مواردی که ذیل تضمین، چه با نام چه بی‌نام، دیده می‌شود، بیشتر در قالب معنا و مفهوم این آرایه خودنمایی

می‌کنند تا انواع آن. البته این مسئله در کتاب‌های بدیعی فارسی، اندکی تعدیل شده و این نامگذاری‌ها ذیل انواع تضمین قرار گرفته‌اند.

در تعدادی از آثار بلاغی فارسی که صرفاً به تقلید از بلاغت عرب به نگارش درنیامده‌اند، انواع تضمین اغلب طبقه‌بندی شده و منظم و بعضاً همراه با نوآوری است؛ به عنوان مثال، نخستین بار، حسین واعظ کاشفی در بدایع الافکار، تضمین را به دو نوع مصرح و مبهم تقسیم نمود (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۱) و مهدی محبتی، دو قسم قدمایی و سطایی را برای آن بر شمرد. (قدمایی، ۱۳۸۰: ۸۸) اما باید گفت که دسته‌بندی‌های مزبور، دارای نواقصی است؛ دسته‌بندی اول که برگرفته از برخی تعاریف عربی است، تنها به یک نوع تضمین، یعنی گنجاندن شعری از دیگری در میان اشعار خود، محدود می‌شود و دسته‌بندی دوم نیز علی‌رغم تلاش نویسنده، ناموفق بوده و دو نوع مطرح شده با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.

در بلاغت عرب، ابن‌اثیر، تضمین را به دو نوع کلی و جزئی تقسیم نموده و نوع کلی آن را که آوردن تمام آیه و خبر در کلام است، بر تضمین جزئی ترجیح می‌دهد: «فأما إذا قصد التضمین فتؤخذ الآیه بکمالها و تدرج درجاً و هذا ینکره من لم یذق ما ذقته من طعم البلاغ». (ابن‌اثیر، ۱۳۵۸هـ: ۳۴۲/۲) اما طبقه‌بندی ابن‌اثیر نیز تنها به یک جنبه از تضمین (کل یا جزء آیه) نظر دارد و جامع نیست از این رو، به سبب عدم تناسب این تقسیم‌بندی‌ها با انواع تضمین، به گمان ما بهتر است که این صنعت ذیل علم بدیع و دو قسم لفظی (ساختاری) و معنوی (معنایی) مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱-۲-۱- انواع لفظی تضمین^۱

۲-۱-۱- استعانت

استعانت در لغت، به معنای یاری خواستن است و در اصطلاح بدیع، زمانی به کار می‌رود که گوینده برای اتمام مقصود خویش، ابیاتی از شعر دیگری را به مقتضای حال و مقام، در کلام خویش بگنجاند. این اصطلاح، برگرفته از کلام ابن‌اثیر در «مثل السائر» است: «هو ان یضمن الشاعر شعره و الناثر نثره کلاماً آخر لغيره. قصداً للاستعانه علی تأکید المعنی المقصود» (همان: ۳۴۴/۲) و در مختصر المعانی (تفتازانی، بی تا: ۲۲۲)، المبسط فی علوم البلاغ

(اللادقی، ۱۹۶۳: ۲۹۱)، الايضاح (قزوینی، ۲۰۰۰م: ۳۴۴)، بدایع الافکار (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۳) و زیب سخن (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۵۸)، برای تضمینی که بیش از یک بیت باشد، به کار گرفته شده است.

به یاد جوانی همی مویه دارم بران بیت بوطاهر خسروانی
«جوانی به بیهودگی یاد دارم دریغا جوانی دریغا جوانی»

محمد عبده

در خلال این بخش می توان از تضمین در قالب های شعری نیز سخن به میان آورد. این شیوه، از ابتکارات شاعران متأخر بوده و در عصر صفوی رواج یافته است. نخستین بار، کاشفی سبزواری (۱۳۶۹: ۱۵۳) و پس از او، محمود نشاط ذیل «مسمط های تضمینی» (۱۳۴۶: ۲/۲۵۹) و دایی جواد در زیبایی های سخن (۱۳۳۵: ۱۷۱)، به این نوع تضمین اشاره نمودند. در این شیوه، شاعر ابیاتی از آن دیگری را در ضمن مخمسی از خویش می آورد و «در مصرع های نخستین، به وجهی دلنشین، مفاد بیت تضمین شده بیان می گردد؛ یعنی، شاعر پیش از هر بیت غزل، چند مصرع متناسب المعنی، به همان قافیۀ اولین مصرع بیت تضمین شده از خود می آورد.» (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۵۹)

نمونه زیر مسمطی از شیخ بهایی، با تضمین غزلی از عراقی است:

مه من نقاب بگشاز جمال کبریایی که بتان فرو گذارند اساس خودنمایی
شده انتظارم از حد چه شود ز در آیی؟ «ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی

چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی»

این نوع از تضمین را می توان تضمین کلی نیز نامید زیرا گوینده، یک بیت کامل یا تمامی ابیات یک غزل، قطعه و... را در خلال کلام خود به عاریت می گیرد. البته باید گفت که نوع اول استعانت، یعنی وام گیری یک بیت از دیگری به منظور تأیید و تأکید بر مقصود خویش، بسی زیاتر از مسمط های تضمینی است و توانایی و تبخر گوینده را در استفاده بجا و مناسب از ابیات دیگران، بیشتر و بهتر به نمایش می گذارد.

۲-۲-۱-۲-۲-۲ ایداع

ایداع در لغت، به معنای به‌ودیعت دادن است؛ گویی که شاعر، چیزی از شعر دیگری را در شعر خود به ودیعت نهاده است. این لفظ در اصطلاح بدیع، تضمین یک مصراع از دیگری در شعر است اما گاه در برخی از کتاب‌های بلاغی، مانند: انوارالربیع (المدنی، ۱۳۸۹هـ-۶/۷۳)، ابداع‌البدایع (گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳) و روش گفتار (زاهدی، ۱۳۴۶: ۳۰۷) با تضمین یکسان دانسته شده است؛ البته، برخی از بلاغیون، همچون ابن ابی‌اصبع و صفی‌الدین حلی، به این دیدگاه انتقاد کرده‌اند و ایداع را متفاوت از تضمین می‌دانند: «الایداع یسمیه من لا یعرف هذه الصنعة تضمیناً» (حلی، بی تا: ۲۶۶)

دعوی عشق ز هر بوالهوسی می آید دست بر سر زدن از هر مگسی می آید
صائب این آن غزل حافظ شیرین سخن است «مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید»
(صائب، ۱۳۶۶: غزل ۱۰۵۸)

۲-۲-۱-۲-۲-۳ رفو

رفو در لغت، به معنای اصلاح و در اصطلاح بدیع، «رفا خرق شعره بشیء من شعر الغیر» (تفتازانی، بی تا: ۲۲۲) است که به تضمین‌های کمتر از یک مصراع گفته می‌شود اما عموماً با ایداع یکی دانسته شده است. (ن.ک: المدنی، ۱۳۸۹هـ: ۶/۷۳ و قزوینی، ۲۰۰۰م: ۳۴۴)
دو چیز حاصل عمر است: نام نیک و ثواب و زین دو در گذری «کلُّ من علیها فان»
(سعدی، ۱۳۱۶: قصیده ۴۴)

برخلاف استعانت، ایداع و رفو را می‌توان تضمین جزئی نامید زیرا گوینده، دقیقاً جزئی از یک بیت را در کلام خود تضمین می‌کند. به نظر ما، برخلاف دیدگاه ابن‌اثیر، این نوع از تضمین به سبب دقت و تأمل بسیار گوینده در انتخاب جزء تضمین شده و کاربرد متناسب آن با حال و مقام، به مراتب هنری‌تر از تضمین کلی (استعانت) است. ابن‌ابی‌اصبع نیز در «بدیع القرآن»، با بیان شرطی برای تضمین، گویی از میان انواع کلی و جزئی، تنها رفو را تضمین واقعی بر شمرده و سایر انواع مطرح در کتاب‌های بلاغی را از دایره تضمین خارج دانسته است زیرا از دیدگاه او، «مقدار تضمین شده نباید به نصف یک بیت (مصراع) برسد.» (مصبری، ۱۳۶۸: ۱۵۱)

۲-۲-۱-۴- تفصیل (خودتضمینی)

ابن ابی اصبغ در «تحریرالتحیر»، این اصطلاح را به معنای «تضمین شاعر از اشعار خویش» به کار برده است. (مصری، ۱۹۶۳:م: ۳۸۰) در کتاب‌های بلاغی فارسی نیز نخستین بار، حقایق الحدائق (رامی، ۱۳۴۱: ۱۰۴) و پسین تر، بدایع الافکار (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)، ابداع البدایع (گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۴۵) و زیب‌سخن (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۷۶) به این نوع اشاره کرده‌اند. شرط زیبایی این نوع از تضمین، اشاره به ابیات تضمین شده است. این گونه از تضمین که در حقیقت، سنت شعری به‌شمار می‌آید، در دیوان برخی از شاعران به‌صراحت دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، انوری در یکی از قصاید خویش از این سنت شعری یاد می‌کند:

از گفته‌های خویش سه بیت از قصیده‌ای	کانجا نه معتبر بود اینجا نه مستعار
آورده‌ام به صورت تضمین در این مدیخ	نیز بهر آنکه بر سخنم نیست اقتدار
لیکن چو سنتی است قدیمی روا بود	احیای سنت شعرای بزرگوار:
«ای فکرت تو مشکل امروز دیده دی	وی همت تو حاصل امسال داده پار
قادر به حکم بر همه کس آسمان صفت	فایض به جود بر همه کس آفتاب‌وار
در ابر ز دست تو یک خاصیت نهند	دست تپی برون ند مد هرگز از چنار

(انوری، ۱۳۷۶، ۱: ۱۸۱)

قابل ذکر است که تاکنون، تمامی خودتضمینی‌ها و نمونه‌های آورده شده برای تفصیل، از نوع لفظی هستند، نه معنایی؛ بدین معنا که گوینده، عیناً بیت یا ابیاتی از اشعار پیشین خود را وارد سروده جدید خویش می‌کند اما بدون تردید، با جستجوی بیشتر می‌توان نمونه‌های بسیاری از خودتضمینی‌های معنایی را در عرصه آثار ادبی یافت. به گونه‌ای که گوینده، برخی مفاهیم و درون‌مایه‌های بر ساخته خویش را در اثری دیگر، البته با الفاظی متفاوت بیان کرده باشد؛ به‌عنوان مثال، در منشآت و قصاید خاقانی، اشتراکات مضمونی کاملاً هویدا است.^۳

۲-۲-۱-۵- اقتباس

اقتباس، از ریشه قَبَس و به معنای آتش بر گرفتن است و در اصطلاح، کاربرد آیه و حدیث در شعر یا نثر را گویند.^۴ اقتباس، از دیدگاه برخی از بلاغیون عرب، همچون ابو هلال

عسگری، عبدالقاهر جر جانی، تفتازانی، خطیب قزوینی و تعداد محدودی از بلاغیون فارسی زبان، مانند عبدالحسین ناشر در «دررالدب»، طیبیان در «برابره‌های علوم بلاغی» و نصیریان در «علوم بلاغت و اعجاز قرآن»، نوعی سرقت شعری به شمار آمده است. اگرچه در اغلب کتب بلاغی عربی و فارسی، اقتباس تنها شامل آیه و حدیث است،^۵ در برخی موارد، آمیختگی آن با صنعت تضمین نیز دیده می‌شود. در ادب عرب، نویسنده بدیع القرآن، ضمن بیان شروط تضمین، برگرفتن سوره، حدیث، خطبه، رساله و انواع نثر را بخشی از تضمین می‌داند (مصری، ۱۳۶۸: ۱۵۱) و ابن اثیر نیز در معرفی انواع تضمین و تقسیم آن به دو نوع کلی و جزئی، از آیات و اخبار نبوی سخن می‌گوید. (ابن اثیر، ۱۳۵۸هـ: ۳۴۱/۲)

در ادب فارسی، این اختلاط و آمیختگی نمود بیشتری دارد. در حقایق الحدائق (رامی، ۱۳۴۱: ۲۵۳) و زیب سخن «تضمین منحصر به اشعار نیست و ممکن است از حدیث مشهور و آیه‌ای از قرآن کریم باشد.» (نشاط، ۱۳۴۶: ۲۵۹/۲) در درّه نجفی (نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۱۷۱)، زیورهای سخن و گونه‌های شعر پارسی (نوروزی، ۱۳۷۲: ۳۲۵) و بدیع نوکه در آنها «اقتباس، در حقیقت، استخدام یک معنای پخته و کامل و یا بیت پر و زیبا در کلام خویش است.» (محبّتی، ۱۳۸۰: ۸۹)، می‌توان نشانه‌هایی از این آشفتگی را مشاهده کرد اما براساس تعریف پیشنهادی ما برای تضمین در بخش‌های بعد و قراردادان اقتباس، به عنوان یکی از انواع آن، دیگر نیازی به تفکیک و بیان تعاریف جداگانه برای این دو صنعت نیست.

نَفَقَه كُنْ چِيزِي كِه دَارِي چَارَسُو لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا

(عطار، ۱۳۸۴: ب ۲۱۱۱)

پیش از اتمام این بخش، لازم است از ارسال‌المثل نیز سخن به میان آید. علت این امر، اشاره برخی بلاغیون به این آرایه بدیعی، ذیل تضمین و اقتباس است. در «فنون بلاغت و صناعات ادبی»، ارسال‌المثل با اقتباس یکی دانسته شده است زیرا نویسنده بر این باور است که علاوه بر آیه و حدیث، می‌توان مثل مشهور یا شبه‌مثلی را نیز از دیگری وام گرفت و در کلام خود جای داد. (همایی، ۱۳۶۱: ۳۸۳/۲) علاوه بر همایی، مهدی محبتی نیز در «بدیع نو»

اقتباس را «استخدام یک معنای پخته و کامل یا بیت پر و زیبا در کلام» می‌داند که این بیت یا گفته می‌تواند شامل ضرب‌المثل‌ها نیز باشد (مجتبی، ۱۳۸۰: ۸۹) اما از میان بلاغیون فارسی، تنها صاحب‌المعجم به ارسال‌المثل، ذیل صنعت تضمین اشاره کرده‌است: «و اگر مثلی سایر در شعر خویش تضمین کند، آن را ارسال‌المثل خوانند.» (شمس‌قیس رازی، ۱۳۳۸: ۲۹۶)

بیگانه را چه شد که گزیدی به جای خویش «ای شیر پاک مادر میهن حرام تو»
(مفتون، ۱۳۴۴: ۴۴)

به این ترتیب، با توسعه معنایی تضمین، می‌توان اقتباس و ارسال‌المثل را نوعی از آن به شمار آورد زیرا در تضمین، شاعر قادر است که علاوه بر بیت و مصرع، از عناصر لفظی دیگری، همچون آیه، حدیث و مثل نیز در شعر خویش بهره‌برد.

۲-۱-۶- استقبال

استقبال در لغت، به معنای پیش‌باز آمدن و در اصطلاح بلاغی، برگرفتن سبک، وزن و قافیه شعر شاعری مشهور است که در کتاب‌های بلاغت فارسی، نام‌های دیگری، همچون اقتدا، تتبع و نظیره‌گویی نیز دارد.

در استقبال، شاعر باید ضمن پای‌بندی به وزن و قافیه‌گوینده نخست، مضمون‌های جدیدی بیافریند تا به کار خویش، ارزش و اعتبار بخشد؛ به عنوان مثال، قصیده «جغد جنگ» از ملک‌الشعراى بهار:

فغان ز جغد جنگ و مرغواى او که تا ابد بریده باد نای او
(بهار، ۱۳۵۸: ۱/۷۹۶)

استقبالی از قصیده منوچهری است با مطلع:

فغان از این غراب بین و وای او که در نوا فکنده‌مان نوای او
(منوچهری، ۱۳۴۷: ۸۲)

و منوچهری نیز در این قصیده، به استقبال قصیده یکی از شاعران عرب، عتاب بن ورقاء شیبانی (متوفی ۷۷ق)، رفته است.^۷

۲-۱-۲-۷- تملیط

تملیط، از ریشه مَلَطَ و به معنای «الطین الذی يجعل بین سافی البناء و یملطه فی الحائط» (ابن منظور، ۱۴۰۸هـ: ذیل ملط) و در اصطلاح بلاغی، بدین معناست که شاعری، نیمی از بیت (یک مصراع) را بگوید و گوینده دیگری آن را تکمیل کند. نابعه بلاغت عرب، ابن رشیق، نخستین و تنها کسی است که ذیل باب «التضمین و الاجازه»، به این نوع پرداخته است. (قیروانی، ۱۹۸۱م: ۹۱/۲) نقل است که امرؤالقیس، از شاعر معاصر خود، توأم یشکری، می خواهد که در مقابل هر مصراع او، مصرعی دیگر بسراید. این بدیهه گویی که تا شانزده بیت ادامه پیدا می کند، با مصراع «أحار أریک برقا هب وهنا» از امرؤالقیس و پاسخ توأم «کنار مجوس تستعرا» آغاز می شود.

أحار أریک برقا هب وهنا کنار مجوس تستعرا^۸

(ن. ک: مطلوب، ۱۹۸۳م: ۲/۳۵۲)

با توجه به معنای اصطلاحی تملیط، می بینیم که این صنعت از یک سو، شباهت بسیاری به استقبال دارد زیرا شاعر، به پیروی از گوینده نخست و با رعایت وزن و مضمون آن، شعری را می سراید و از سوی دیگر، بسیار به ایداع مانند است زیرا در ایداع، گوینده، مصراعی را خود می سراید و مصراع بعد را از شاعری دیگر وام می گیرد. به این ترتیب، می توان تملیط را نیز همانند ایداع و استقبال، قسمی از تضمین به شمار آورد.

۲-۲-۲- تضمین معنوی (معنایی)^۹

یکی از انواع تضمین که در تعداد معدودی از کتاب های بلاغی به آن اشاره شده و می تواند ذیل تضمین معنوی قرار گیرد، «تضمین مضمون شعر دیگری» است. در باب پذیرش این نوع، به عنوان یکی از اقسام تضمین، میان عالمان بلاغت اختلاف نظر وجود دارد. «بعضی نوشته اند که به جای ذکر الفاظ، مانعی ندارد که مضمون شعر شاعری را هم تضمین نمود و برخی، بر این نظر استوار نیستند و گویند اگر شاعر، معنی شعر دیگری را گرفت، از قسم تضمین به شمار نیاید» (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۷۷) اما برخی دیگر، همچون ابن رشیق، با ذکر

شرایطی، تضمین معنوی را نیز بخشی از اقسام تضمین به شمار می آورند: «ان یصرف الشاعر المضمن وجه الیبت المضمن عن معنی قائله الی معناه.» (قیروانی، ۱۹۸۱: ۸۴/۲) اما علی رغم این اختلاف نظرها، تضمین، تنها به حوزه الفاظ محدود نمی شود و در مضمون و محتوا نیز رخ می دهد. تضمین معنوی می تواند به دو شکل بیاید: نخست، مضمون با همان الفاظ و واژه های منبع اصلی همراه باشد:

پس نکو گفت آن حکیم کامیار که تو طفلی خانه پر نقش و نگار

سنایی (مولانا، ۱۳۷۶، ۴: ۲۵۶۶)

دوم، مضمون با الفاظی متفاوت به کار رود:

چنین گفت شوریده ای در عجم به کسری که ای وارث ملک جم
اگر ملک بر جم بماندی و بدخت تو را چون میسر شدی تاج و تخت

(سعدی، ۱۳۱۶: باب اول)

برخیز و مخور غم جهان گذران خوش باش و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی نوبت به تو خود نیامدی از دگران

(خیام، ۱۳۸۲: ۳۵)

باید توجه داشت از آنجا که در تضمین معنایی، احتمال سرقت بیش از سایر انواع تضمین وجود دارد، اشاره به نام صاحب مضمون، برای رفع تهمت سرقت، آشکارا یا به کنایه، از شروط اساسی و لازم است. (هدایت، ۱۳۳۵: ۸۳) در غیر این صورت، عمل گوینده، سرقت ادبی از نوع حل^۱ به شمار می آید. البته در صورت شهرت گوینده اصلی و آثار او، نیازی به ذکر نام نیست؛ مثلاً در بیت زیر، شهریار مضمونی از شاهنامه را بدون اشاره به نام فردوسی، در جهت مقصود خویش به کار گرفته است:

چون به خود آیم همی دنیا است باز ای تفو بر خلق این دنیا تفو

(شهریار، ۱۳۶۹: ۴۵۳)

پس از بررسی انواع و اقسام تضمین و جایگاه هریک در مباحث بلاغی و ادبی، آشکار می گردد که آنچه تاکنون در تمامی آثار بدیعی پیرامون معنا و مفهوم تضمین بیان شده است، چیزی جز انواع آن نیست. به بیان دیگر، این آرایه ادبی، نیازمند تعریفی است که

بتواند تمامی انواع فوق را در خود جای دهد؛ از این رو، به نظر ما تضمین را می‌توان هرگونه مشارکت و تبادل عناصر لفظی و معنایی میان سخنوران و گویندگان دانست که باید متناسب با مقتضای حال و مقام و به قصد زینت و تأکید معنا صورت گیرد؛ این مشارکت می‌تواند در زمینه‌های متنوعی، همچون شعر (بیت، م صراع)، آیه و حدیث، مثل، وزن و قافیه و حتی مضمون رخ دهد.

این تعریف که براساس اصل توسیع معنایی ارائه شده‌است، از یک سو، برخلاف برخی کتب بلاغی، تضمین را تنها به شعر یا نثر محدود نمی‌سازد و از سوی دیگر، تنها بر جنبه لفظی تضمین تأکید ندارد و تضمین‌های مضمونی و معنایی را نیز دربرمی‌گیرد.

از میان اسامی مختلفی که در کتاب‌های بلاغی برای تضمین ذکر شده‌است (استعانت، ابداع، رفو، استقبال و...)، تنها عنوان «تضمین» با توجه به معنای لغوی آن، به‌خوبی گویای معنای اصطلاحی آن نیز هست اما اگر بخواهیم به پیروی از جریان ادبی معاصر که سعی در ارائه برگردانی مناسب برای عناوین فنون ادبی دارد، نامی بر این صنعت بگذاریم، عنوان «مشارکت» را که گویای جنبه‌های مختلف تعریف فوق است، پیشنهاد می‌کنیم.

۳- نتیجه‌گیری

سیر تاریخی تضمین در کتب بلاغی عربی و فارسی، نشان از انواع متنوعی دارد که با نام‌هایی چون استقبال، استعانت، ابداع، رفو، تفصیل و... دیده می‌شود اما نکته قابل توجه، آن است که تاکنون در هیچ‌یک از این آثار، تعریفی مناسب برای تضمین ارائه نشده و عموماً نوع یا انواعی از آن، به جای تعریف اصطلاحی، خوش‌نشسته‌است.

انواع تضمین را می‌توان در دو بخش لفظی و معنایی مورد بررسی قرار داد و از این طریق، مانع تقسیم‌بندی آرایه‌هایی مشابه، همچون تضمین، اقتباس و ارسال‌المثل، به صنایعی مستقل شد. گسترش معنایی تضمین، تعریفی می‌طلبد تا تمامی انواع متنوع آن را در خود پوشش دهد. این امر، تنها به یاری بازنگری معنایی امکان‌پذیر است. براساس این اصل زبانشناسی، می‌توان تضمین را هرگونه مشارکت و تبادل عناصر لفظی و معنایی میان سخنوران و گویندگان دانست که باید متناسب با مقتضای حال و مقام و به قصد زینت و تأکید معنا صورت گیرد.

این تعریف از یک سو، به آشفتگی جایگاه این صنعت در میان مباحث بلاغی سامان می‌دهد و از سوی دیگر، مانع اختلاط و آمیختگی آن با برخی صنایع دیگر، همچون تصدیر، تصریح، استدراک و مجاز می‌گردد. تضمین یا «مشارکت»، با رعایت اصول و قواعدی، از مبحث سرقات شعری جدا می‌شود و ارزش ادبی و هنری می‌یابد و در نهایت، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختاری و معنایی متن، به برجسته‌سازی، مرجعیت‌بخشی، ابهام‌زایی، مفهوم‌زایی و ایجاز کلام یاری می‌رساند.

یادداشت‌ها

- ۱- منظور از لفظی بودن تضمین، کاربرد آن در سطح بیرونی و ساخت ظاهری کلام است که کشف و شناسایی آن، نیازی به دقت و تأمل بسیار در بافت و ژرف‌ساخت سخن ندارد.
- ۲- «ان التضمین يقع فی النظم و النثر و یکون من المحاسن و من العیوب و لکنه لا یکون من العیوب الا اذا وقع فی النظم بالنظم.» (المصری، ۱۹۶۳م: ۱۴۲)
- ۳- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، رجوع کنید به پایان‌نامه عبدالحسین حسن پور با عنوان «مشرکات مضمونی منشآت و قصاید خاقانی»، ۱۳۹۱، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۴- زیب سخن، هرگونه تغییر و تصرف جزئی در اصل شعر دیگران را نیز اقتباس می‌نامند. (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۵۹)
- ۵- مضمون اقتباس و تضمین، بی‌تردید پیش از ابن معتر نیز وجود داشته‌است اما تا پیش از او، نامی برای آن وضع نشده‌بود. البته، اصطلاح اقتباس را دقیقاً به همان شکل تعریف سایر بلاغیون عرب از آن، در بیان و التبین جاحظ می‌بینیم. (جاحظ، ۱۳۹۵ق: معج ۱/۱۱۸)
- ۶- در زیب سخن، تتبع، نام دیگر صنعت تضمین دانسته‌شده (نشاط، ۱۳۴۶: ۲/۲۵۸) اما در واژه‌نامه هنر شاعری، مرادف استقبال آمده‌است. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۲۶)
- ۷- در مقدمه دیوان منوچهری، از مرحوم فروزانفر نقل شده که این قصیده، بر وزن قصیده «اما صحا اما ارعوی اما انتھی» عتاب بن ورقاء، سروده شده‌است (منوچهری، ۱۳۴۷: ۲۰۱) و منوچهری خود در پایان این قصیده، بر این امر صحنه می‌گذارد:

«اما صحا» به تازی است و من همی به پارسی کنم اما صحای او

(منوچهری، ۱۳۴۷: ب ۱۱۸۹)

- ۸- ای حارث، صاعقه‌ای به تو نشان خواهم داد که شباهنگام برانگیخته خواهد شد؛ همچون آتش مجوس که درمی گیرد، در گرفتی.
- ۹- منظور از معنوی بودن تضمین، کاربرد آن در بافت و لایه‌های درونی کلام است. تضمینی که در ساختار بیت کاملاً حل شده و بدون اشاره گوینده، شناسایی و راهیابی به آن، به آسانی امکان پذیر نیست
- ۱۰- «مضمون شعری را گرفته و در شعر یا نثر خود بیاورند و نشاید این را از محسنات بدیعیه شمرد.» (زاهدی، ۱۳۴۶: ۳۰۰)

فهرست منابع

- کتاب‌ها

- ۱- آهنی، غلامحسین. (۱۳۶۰). **معانی بیان**. چ دوم. تهران: بنیاد قرآن.
- ۲- ابن منقذ، اسامه. (۱۴۰۷هـ). **البدیع فی البدیع**. به کوشش عبد. آ. علی مهنا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳- _____ (بی تا). **البدیع فی نقد الشعر**. به کوشش احمد احمد بدوی و حامد عبدالمجید. مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- ۴- ابن اثیر. (۱۳۵۸هـ). **المثل السائر**، ج ۲. تصحیح محمد محیی‌الدین عبد الحمید. مصر: مکتبه و مطبعه مصطفی.
- ۵- ابن معتر، عبدالله. (۱۹۵۹م). **البدیع**. دمشق: دارالحکمه.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴هـ). **لسان العرب**. به کوشش یوسف خیاط. قم: دارالصادر.
- ۷- اسفندیارپور، هوشمند. (۱۳۸۸). **عروسان سخن**. چاپ سوم (ویرایش جدید). تهران: فردوس.
- ۸- انوری، محمد بن محمد. (۱۳۷۶). **دیوان**، ج ۱. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۹- بهار، محمدتقی. (۱۳۵۸). **دیوان اشعار**، ج ۲. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۱هـ). **مختصر المعانی**. قم: دارالفکر.
- ۱۱- تقوی، نصرالله. (۱۳۶۳). **هنجار گفتار**. چ دوم. اصفهان: فرهنگسرا.
- ۱۲- الثعالبی، ابی منصور. (۱۳۱۸هـ). **فقه اللغة و اسرار العربیه**. بیروت: دارالمکتبه الحیاه.

- ۱۳- جاحظ، عروبن بحر. (۱۳۹۵ق). **البيان و التبیین**، مج ۱. به کوشش عبدالسلام محمد هارون. مصر: مکتبه الخانجی.
- ۱۴- حلی، صفی‌الدین. (بی‌تا). **شرح الکافیہ البدیعیہ**. تحقیق نسیم نشاوی.
- ۱۵- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۶۹). **معیار الاشعار**. به تصحیح جلیل تجلیل. تهران: جامی.
- ۱۶- خیّام، عمر بن ابراهیم. (۱۳۸۲). **رباعیات خیام نیشابوری**. به کوشش حسین الهی قمشه‌ای. تهران: محمد.
- ۱۷- دایی جواد، محمد رضا. (بی‌تا). **علم بدیع در زبان فارسی**. اصفهان: تأیید.
- ۱۸- _____ (۱۳۳۵). **زیبایی‌های سخن**. اصفهان: تأیید.
- ۱۹- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). **ترجمان البلاغه**. تصحیح احمد آتش. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- ۲۰- راستگو، محمد. (۱۳۸۲). **هنر سخن آرای**. تهران: سمت.
- ۲۱- رامی تبریزی، شرف‌الدین محمد. (۱۳۴۱). **حقایق الحدائق**. تصحیح محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۲- رشیدالدین و طواط. (۱۳۶۲). **حدائق السحر**. به تصحیح عباس اقبال. تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.
- ۲۳- الرمّانی، علی بن عیسی. (۱۹۶۸م). **النکت فی اعجاز القرآن**. تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام. چاپ دوم. مصر: دارالمعارف.
- ۲۴- زاهدی، زین‌الدین جعفر. (۱۳۴۶). **روش گفتار (علم البلاغه)**. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۲۵- زرکشی، بدرالدین. (۱۹۵۸م). **البرهان فی علوم القرآن**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: مکتبه دارالتراث.
- ۲۶- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۸۲م). **الکشاف**. بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۷- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۱۶). **کلیات سعدی**. به کوشش محمدعلی فروغی. تهران: بروخیم.
- ۲۸- سکاکی، یوسف بن ابی بکر. (۱۳۷۳هـ). **مفتاح العلوم**. بیروت: مکتبه الاسلامیه.
- ۲۹- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۶۳). **الاتقان فی علوم القرآن**. ترجمه سید مهدی حائری قزوینی. تهران: امیرکبیر.

- ۳۰- شمس قیس رازی. (۱۳۳۸). **المعجم فی معایر اشعار العجم**. تصحیح مدرس رضوی. تهران: دانشگاه.
- ۳۱- صادقیان، محمدعلی. (بی تا). **زیور سخن در بدیع فارسی**. چاپ دوم. یزد: دانشگاه یزد.
- ۳۲- صائب تبریزی. (۱۳۶۶). **کلیات صائب**. به کوشش محمد عباسی. چاپ چهارم. تهران: نشر طلوع.
- ۳۳- طیبیان، حمید. (۱۳۸۸). **برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی**. تهران: امیرکبیر.
- ۳۴- الطیبی، شرف‌الدین حسین. (۱۴۰۷هـ). **التبیان**. به کوشش هادی عطیه مطر الهلالی. بغداد: مکتبه النهضة الغریبه.
- ۳۵- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۴). **منطق الطیر**. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. ویرایش دوم. تهران: سخن.
- ۳۶- العلوی، مظفرین فضل. (۱۹۷۶م). **نضره الاغریض فی نضره القریض**. به کوشش نهی عارف الحسن. دمشق: مطبعه الطربین.
- ۳۷- العلوی، یحیی بن حمزه. (۱۴۱۵هـ). **الطراز**. به کوشش محمدبن عبدالسلام شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳۸- فخرالدین رازی. (۱۹۸۵م). **نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز**. تحقیق د. بکری شیخ امین. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۳۹- القزوینی، محمدبن عبدالرحمن. (۲۰۰۰م). **الایضاح فی علوم البلاغه**. بیروت: دارالمکتبه الهلال.
- ۴۰- قیروانی، ابن رشیق. (۱۹۸۱م). **العمده**، ج ۲. تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید. بیروت: دارالجلیل.
- ۴۱- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۳). **زیباشناسی سخن پارسی (بدیع)**. چاپ هفتم. تهران: ماد.
- ۴۲- گرگانی، محمدحسین شمس‌العلماء. (۱۳۷۷). **ابده البدایع**. به کوشش حسین جعفری. تبریز: احرار.
- ۴۳- اللادقی، محمد طاهر. (۱۹۶۳م). **المبسّط فی علوم البلاغه**. چاپ دوم. بیروت: المکتب التجاری.
- ۴۴- محبتی، مهدی. (۱۳۸۰). **بدیع نو**. تهران: سخن.

- ۴۵- المدنی، علی صدرالدین بن معصوم. (۱۳۸۹هـ). **انوارالربیع فی انواع البدیع**، ج ۶. به کوشش شاکر هادی شکر. نجف: مطبعه النعمان.
- ۴۶- المرزبانی، محمد بن عمران. (۱۹۶۵م). **الموشح**. تحقیق علی محمد الجاوی. قاهره: دارالنهضة مصر.
- ۴۷- مصری، ابن ابی اصبع. (۱۳۶۸). **بديع القرآن**. ترجمه سیدعلی میرلوحی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴۸- _____ . (۱۹۶۳م). **تحریرالتحیر**. قاهره: حنفی محمد شرف.
- ۴۹- مطلوب، احمد. (۱۹۸۳م). **معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها**، ج ۲. مطبعه المجمع العلمی العراقی.
- ۵۰- مفتون امینی، یدالله. (۱۳۴۴). **کولاک**. تبریز: کتابفروشی شمس.
- ۵۱- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص. (۱۳۴۷). **دیوان**. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چاپ سوم. تهران: زوار.
- ۵۲- مولوی، جلال الدین. (۱۳۷۶). **مثنوی معنوی**. به تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ نهم. تهران: بهزاد.
- ۵۳- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). **واژه نامه هنر شاعری**. چاپ سوم. تهران: مهناز.
- ۵۴- ناشر، عبدالحسین. (۱۳۳۶). **درر الادب**. چاپ دوم. شیراز: معرفت.
- ۵۵- نجفقلی میرزا. (۱۳۶۲). **درّه نجفی**. تصحیح حسین آهی. تهران: فروغی.
- ۵۶- نشاط، محمود. (۱۳۴۶). **زیب سخن**، ج ۲. تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ۵۷- نصیریان، یدالله. (۱۳۷۸). **علوم بلاغت و اعجاز قرآن**. تهران: سمت.
- ۵۸- نوروزی، جهانبخش. (۱۳۷۲). **زیورهای سخن و گونه های شعر پارسی**. تهران: راهگشا.
- ۵۹- واعظ کاشفی سبزواری، حسین. (۱۳۶۹). **بدايع الافکار فی صنایع الاشعار**. تصحیح میرجلال الدین کزازی. تهران: مرکز.
- ۶۰- هاسپرس، جان. (۱۳۷۹). **درآمدی بر تحلیل فلسفی**. ترجمه موسی اکرمی. تهران: طرح نو.
- ۶۱- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۳۵). **مدارج البلاغه**. چاپ دوم. شیراز: معرفت.
- ۶۲- همایی، جلال الدین. (۱۳۳۹). **صناعات ادبی**. تهران: علمی.
- ۶۳- _____ . (۱۳۶۱). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، ج ۲. چاپ دوم. تهران: توس.